

یادداشت انتقادی درباره کتاب تمهیداتی بر نظریه زبان

عبدالرزاق حسامی فر^۱

یک. درباره کتاب

کتاب تمهیداتی بر نظریه زبان نوشته لویی یلمزلف و ترجمه محمد امین شاکری را انتشارات خوارزمی در اردیبهشت ۱۳۹۷ در ۲۹۴ صفحه منتشر کرده است (یلمزلف، ۱۳۹۷، ارجاعات بعدی به این کتاب تنها با ذکر صفحه خواهد بود). کتاب شامل پیشگفتار مفصل مترجم (۲۸ صفحه)، ۲۳ فصل و افزوده‌های مترجم از جمله تعاریف، واژه‌نامه انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی، فهرست اعلام و اصطلاحات، فهرست منابع مورد ارجاع مترجم و سال‌شمار مختصر حیات فکری نویسنده است. مترجم در پیشگفتار کتاب می‌گوید که این کتاب درباره ژرف‌ترین و پیچیده‌ترین نظریه در باب زبان، یعنی نظریه گلوسم‌شناسی (Glossematics) است، خاستگاه این نظریه، چرخش زبانی اندیشه در اوایل قرن بیستم است که با انتشار کتاب دوره زبان شناسی عمومی، نوشته فردینان دو سوسور (۱۸۵۷-۱۹۱۳) تحقق پیدا کرد (سوسور، ۱۳۷۸). به‌طور کلی از سه مکتب فکری یاد می‌شود که تحت تأثیر این کتاب سوسور بوده‌اند:

۱. گروه ژنو که به جزء به جزء قانون متوسل شدند. آنها گاهی به یک تفسیر واژه‌شناختی از کتاب سوسور و اغلب بر روان‌شناسی ذهن‌گرایانه (mentalist psychology) تأکید می‌کردند.

۲. گروه پراگ که بیشتر به تمایز زبان - سخن (langue- parole) توجه کردند. منظور سوسور از واژه parole زبان نوشتاری و گفتاری است آنگونه که در زندگی روزمره تجربه می‌شود. آنها فونتیک (phonetics) را به langue و فونمیک (phonemics) را به parole نسبت دادند. البته باید توجه داشت که در زبان فرانسوی برای واژه انگلیسی language از دو معادل langue و langage استفاده می‌شود که اولی بر زبان‌های طبیعی همچون فارسی، عربی اطلاق می‌شود و دومی بر زبان چنون یک پدیدار کلی یا توان انسان بر داشتن زبان دلالت می‌کند.

۳. یلمزلف که بیشتر به تلقی سوسور از زبان چنون نظامی از ارزشها توجه کرد و این سخن سوسور را بسط داد که زبان نه یک جوهر، بلکه یک صورت است. پیداست که این یک تفسیر یک‌بعدی از تلقی سوسور از langue است.

^۱. استاد گروه فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، (ahesamifar@hum.ikiu.ac.ir)

(Garvin, 2014, 90). به هر حال لویی یلمزلف خلف راستین و شاید تنها وارث حقیقی سوسور دانسته می‌شود که توانسته است تمام مقاصد و ایده‌های او را به روشنی صورت‌بندی کند.

هنری فری (Henri Frei) می‌گوید که تمایز زبان - سخن در سوسور برای بیان دو تمایز است: یکی یک نهاد اجتماعی در برابر یک رفتار فردی و دیگری یک نظام از ارزش‌ها چونان عناصر متمایز در برابر گونه‌های نامتمایز. یلمزلف گلوسم‌شناسی را تنها بر دو شاخگی دوم استوار می‌کند و دوشاخگی اول را رد می‌کند (ibid).

تمایز میان *parole* و *langue* یک دو شاخگی زبان‌شناختی نظری است که سوسور آن را در دوره زبان‌شناسی عمومی مطرح می‌کند. واژه فرانسوی *langue* ترکیبی از قواعد نظام‌مند و انتزاعی و قراردادهای یک نظام دلالت است که هم مستقل از و هم مقدم بر هر کاربر منفردی است.

در مجموع می‌توان گفت که در اندیشه سوسور منظور از *langue* تمامیت قواعد و الگوهای صورت‌بندی است که زیرساخت اظهارات در یک زبان است و منظور از *parole* رفتار زبانی یعنی خود اظهارات در یک زبان است.

لویی یلمزلف در ۱۸۹۹ در شهر کپنهاگ در دانمارک به دنیا آمد. پدر او یوهانس یلمزلف، استاد ریاضیات و رئیس دانشگاه کپنهاگ بود. لویی در ۱۹۳۲ از رساله دکتری خود با عنوان مطالعات بالتیک دفاع کرد و کتاب *تمهیداتی بر نظریه زبان* را در ۱۹۴۳ به زبان دانمارکی منتشر کرد. پنج سال بعد آندره مارتینه شرحی فرانسوی از این اثر را در بولتن انجمن زبان‌شناسی پاریس منتشر کرد. ترجمه‌های اول و دوم این اثر به زبان فرانسوی در سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۷۱ منتشر شد.

این کتاب را فرانسویس وایتفیلد در ۱۹۵۳ به انگلیسی ترجمه کرد و در معادل‌سازی واژگان آن نیز از کمک نویسنده کتاب نیز بهره گرفت. یلمزلف در زمان حضورش در موسسه زبانی در دانشگاه ایندیانا در ۱۹۵۲ در رفع مشکلات مربوط به ترجمه به‌ویژه در زمینه مفهوم‌شناسی مدد رساند. در این کتاب درباره سه موضوع اصلی بحث شده است: معیارهای کلی برای نظریه زبانی (فصل‌های ۱ تا ۹)؛ ویژگی‌های نظریه زبانی (فصل‌های ۱۰ تا ۲۰)؛ ارتباط میان زبان و غیر زبان (فصل‌های ۲۱ تا ۲۳) (Gairn, 2014, 69).

این کتاب را مانیفست گلوسم‌شناسی دانسته‌اند؛ گواينکه در آن به بسیاری از مفاهیم پایه‌ای گلوسم‌شناسی همچون مشارکت، نظام زیر منطقی، تنش (درون تنشی و برون تنشی) پرداخته نشده است. نویسنده در این کتاب به دنبال بر ساختن نظامی خود بسنده است که بتواند زمینه را برای هر گونه نظریه‌پردازی در علم گلوسم‌شناسی فراهم کند. کتاب شامل ۲۳ فصل است که در آن‌ها بحث با توصیفی درخشان و شاعرانه از زبان آغاز می‌شود. نویسنده در هشت فصل نخست به کنکاش معرفت‌شناختی در باب رویکرد خاص خود به نظریه زبان می‌پردازد و در فصل‌های بعد، در عین

التزام به چارچوب معرفت‌شناسی، نظام تعاریف تمهیدات گلوسم‌شناسی را در سیر استدلالی پیچیده و شبکه‌وار معرفی می‌کند. این نظام از ۱۰۸ مفهوم تشکیل شده است که برای آن پنج اصل وجود دارد که همگی برگرفته از تجربه‌اند. این کتاب در مجموع درباره نظریه زبان و تطبیق آن با فلسفه‌های گوناگون و دیگر حوزه‌ها از قبیل جامعه‌شناسی، روان‌کاوی، انسان‌شناسی، تاریخ و علوم تجربی و اضافه بر اینها مجادلات مربوط به معرفت‌شناسی زبان است.

در فصل اول کتاب با عنوان مطالعه زبان و نظریه زبان، نخست از اهمیت زبان برای انسان و زندگی او یاد می‌شود؛ از جمله اینکه زبان ابزاری است که انسان با آن به اندیشه و احساس، خلق و خو، آرزو، اراده و عمل خود شکل می‌دهد و به یاری آن هم بر دیگران تأثیر می‌گذارد و هم از دیگران تأثیر می‌پذیرد. زبان در ژرفای ذهنی انسان مستقر است. نویسنده در این فصل از ضرورت برساختن یک نظریه زبان سخن می‌گوید تا مبنای واحدی برای مقایسه زبان‌ها باشد و پیش‌فرض‌ها و روش‌های یک زبان‌شناسی مشترک را آشکار سازد. البته این نظریه زبان را نباید با فلسفه زبان خلط کرد. وی با اشاره به اینکه پژوهش‌های صورت گرفته در هر دو حوزه، چندان نظام‌مند و دقیق نبوده است و می‌توان آن‌ها را در مقوله نظروزیهای نفسانی جای داد که توفیق چندانی نداشته است و در حد مد بازیهای نسبتاً سطحی بوده است و بسیاری این تلاش‌ها را چونان فلسفه‌ورزی پوچ و تفنن‌گرایی و پیشینی‌انگاری رد کرده‌اند و البته کار ایشان پر بیراه نبوده است؛ زیرا امروزه فلسفه‌ورزی تفننی و پیشینی‌انگاری چنان بر فضای نظریه‌پردازی در باب زبان چیره شده است که تشخیص درست از نادرست دشوار شده است. هدف در این اثر تأسیس یک نظریه زبان بر اساس مصالح و پژوهش‌های تجربی پیشین است و در این میان نویسنده خود را وامدار فردینان دو سوسور، زبان‌شناس سوئیسی و نیز همفکری با پاره‌ای از اعضای «حلقه زبان‌شناسی کپنهاگ و مباحثات» مجمع فلسفی و روان‌شناختی کپنهاگ می‌داند.

در فصول بعدی نویسنده به توضیح پاره‌ای ویژگیهای ضروری برای آن نظریه زبانی است که به تعبیر او قرار است از طریق نظامی منحصراً صوری از پاره‌ای مقدمات، ساختار ویژه زبان را بیابد. علم زبان تا به امروز به دست فیلولوژیست‌ها با اهداف متعالی سامان یافته است و با وجود این تحت تأثیر اومانسیم که مخالف ایده نظام است، پیش رفته است. نظریه زبانی باید به یک اصل تجربی وفادار باشد و آن اینکه متضمن توصیفی عاری از تناقض، جامع و ساده از زبان باشد و این سه به ترتیب هر یک مقدم بر دیگری است، اما استقرا با این اصل تجربی ناسازگار است و بلکه باید گفت که استقرا ضامن توصیفی خود سازگار و ساده نیست. اگر چه در زبان‌شناسی تا امروز از روش استقرایی استفاده می‌شد، یعنی روشی که متضمن پیشروی از مؤلفه به رده بود اما امروزه از روش استنتاجی هم استفاده می‌شود که در آن پیشروی از رده به مؤلفه صورت می‌گیرد. اولی یک روش تألیفی و دومی یک روش تحلیلی است.

بنا بر آنچه گفته شد نظریه زبانی باید تجربی و استنتاجی باشد. یک نظریه روشی برای دانستن یا فهمیدن یک ابژه داده شده است. نظریه باید کلی باشد تا فقط آگاهی ما را از یک ابژه متعین فراهم نکند ابژه‌های مورد توجه در نظریه زبانی، متن‌ها هستند. هدف این نظریه ارائه روشی است که به یاری آن بتوان یک متن داده شده را از طریق توصیفی خود-سازگاری و جامع فهمید و هر متن دیگری با سرشت مشابه را با همین روش دریافت. پس برای مثال نظریه زبانی امکان توصیف خودسازگار و جامعی از نه تنها یک متن دانمارکی، بلکه تمام متون دانمارکی ممکن فراهم می‌کند. ما با استفاده از ابزار نظریه زبانی از گزیده متون، دانشی استخراج می‌کنیم که می‌توان آن را در مورد متون دیگر هم به کاربرد. پس این دانش نه تنها فرآیندها و متن‌های برگرفته از آن‌ها بلکه نظام یا زبانی را می‌کاود که همه متن‌ها با سرشت مفروض یکسان بر آن بنا شده‌اند و به یاری آن می‌توانیم متن‌های تازه بسازیم. پس یک نظریه زبانی نه تنها باید بتواند برای توصیف و پیشگویی هر متن ممکن برآمده از یک زبان خاص، به کار رود، بلکه باید بتواند بر اساس اطلاعاتی که به طور کلی درباره زبان به دست می‌دهد، هر متن ممکن برآمده از هر زبانی را توصیف و پیشگویی کند.

نویسنده با اشاره به اصل تحلیل چنونان یکی از چهار اصل و قاعده مطرح در رساله *گفتار در روش دکارت چنونان* قاعده‌ای که بر طبق آن باید امر مرکب را به مؤلفه‌هایش تحلیل کنیم تا فهم آن حاصل شود،

نویسنده در فصول ۹ و ۱۰ به بحث در باب اصل تحلیل و صورت تحلیل در نظریه زبانی می‌پردازد. وی تحلیل را اینگونه تعریف می‌کند: «ثب و ابستگی‌های مشخص بین پایانه‌های مشخص که ما، طبق کاربرد متداول، این پایانه‌ها را بخش‌های متن می‌نامیم. به طوری که این بخش‌ها فقط به واسطه آن وابستگی‌هاست که وجود می‌یابند (ص ۸۲). او در ادامه می‌گوید که نامگذاری پایانه‌ها به بخش، و کل فرآیند به تحلیل و تقطیع، وابسته به این است که پیش‌تر بین آن پایانه‌ها و کل، انواع مشخصی از وابستگی‌ها را تشخیص داده باشیم. نویسنده در ادامه با اشاره به انواع ترکیب‌های واژگانی به تحلیل آن‌ها به مؤلفه‌های آن‌ها می‌پردازد و خواننده را با انبوهی از واژگان مطرح در زبان‌شناسی مواجه می‌کند و می‌کوشد با ارائه تحلیل‌های مناسب نسبت میان این واژگان را به خوبی توضیح دهد. آنچه در این کتاب آمده است بیش از هر چیز بیان عناصر و مؤلفه‌های اساسی نظریه زبان است و در این راستا مفهوم‌شناسی گسترده‌ای در باب مفاهیم اساسی مطرح در زبان‌شناسی صورت گرفته است.

دو. درباره ترجمه کتاب

کتاب *تمهیداتی بر نظریه زبان* یکی از کتب کلاسیک در زمینه زبان‌شناسی است و مترجم محترم در اهتمام به ترجمه این اثر گرانسنگ، کاری شایسته تقدیر انجام داده است. وی در پیشگفتار مبسوط و ارزشمند خود کوشیده است مطالب

مفیدی را در باب نویسنده و مباحث مطرح در کتاب عرضه کند. او در پانوشت صفحه ۹ توضیح می‌دهد که بخش هایی از این کتاب را در فصل دوم پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «شرح تبیینی و انتقادی نظریه زبانی لویی یلمزلف و نمونه کاربرستی از آن در تحلیل زبان فارسی» (۱۳۹۵) آورده است. بر این اساس می‌توان گفت که این کتاب یکی از منابع مورد استفاده ایشان برای نگارش پایان‌نامه بوده است و ترجمه این کتاب در راستای پژوهش تخصصی ایشان در زمینه موضوع بوده است و حاصل کار را دو سال پس از دفاع از پایان‌نامه به زیور طبع آراسته است. به هر حال ترجمه ایشان امتیازات و کاستی‌هایی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم (البته اگر متن انگلیسی اثر در اختیار می‌بود، داوری در باب ترجمه، مقرون به صحت بیشتری می‌شد):

سه. امتیازات ترجمه

یکی از امتیازات این ترجمه پیشگفتار خوب مترجم و پانوشت‌هایی است که ایشان به متن افزوده‌اند ارائه گسترده معادل انگلیسی کلمات در پانوشت و بیان توضیحات تکمیلی درباره پاره‌ای از آنها، به خواننده در فهم مراد نویسنده کمک شایانی می‌کند. یکی از ویژگی‌های این اثر در برداشتن تعداد کثیری از واژگان تخصصی است که پاره‌ای از آنها یا در فارسی معادل‌گذاری نشده است و یا معادل‌گذاری مناسبی در مورد آنها صورت نگرفته است. مترجم کوشیده است برای دسته اول خود معادل‌سازی کند و در مورد دسته دوم از میان معادل‌های موجود، معادل‌های مناسب را برگزیند. این امر نشان می‌دهد که ترجمه کتاب برای مترجم راه همواری نبوده است و حاصل کار او نشان می‌دهد که به رغم جوانی‌اش در این مسیر، جهد بلیغی کرده است تا اینکه این اثر مقبول طبع خبرگان این حوزه قرار بگیرد. البته این اثر با تضرع بیشتر ایشان در این حوزه، در چاپ‌های بعدی می‌تواند برکنار از پاره‌ای کاستیها باشد که بعد از این به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد.

یکی دیگر از امتیازات این ترجمه، بخش تعاریف (پیوست نخست) است که در آن تعداد ۱۰۸ اصطلاح مهم به‌اختصار توضیح داده شده و احتمالاً در متن اصلی کتاب وجود داشته است. اضافه بر آن واژه نامه انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی هم چونان پیوست دوم کتاب آمده است. پس از آن فهرست اعلام و اصطلاحات و در ادامه فهرست منابع مورد ارجاع مترجم و در پایان سال شمار مختصر حیات فکری لویی یلمزلف به نقل از کتاب یلمزلف نوشته سمیر بدیر (Badir, 2004, pp. 7-11) آمده است. البته در مورد ترتیب قرار گرفتن این افزوده‌ها، شاید بهتر می‌بود اگر بخش سال شمار مختصر، پس از پیشگفتار و قبل از متن کتاب و بخش فهرست منابع، پیش از فهرست اعلام و اصطلاحات می‌آمد.

چهار. کاستیهای ترجمه

۱. گاهی به جای استفاده از معادل فارسی واژه، کلمه انگلیسی با املای فارسی آمده است مثل پروبلماتیک ص ۳۰، س ۱۲ و پوئیتیک پا نوشت ص ۳۶، در حالی که بهتر بود معادل فارسی آنها به ترتیب «مساله‌ساز» و «شعری» می‌آمد.
۲. در ص ۱۱ س ۲۰ آمده است: «مورد اغفال قرار گرفته‌اند» در حالی که منظور مورد غفلت و فراموشی قرار گرفتن است. اغفال به معنای فریفتن و به غفلت انداختن است و غفلت به معنی فراموشی. معنای دوم منظور نظر نویسنده است.
۳. گاهی از تعبیر «نقطه‌نظر» استفاده شده است که گرتة برداری از تعبیر **point of view** انگلیسی است و لازم است از معادل «نظر» یا «دیدگاه» استفاده شود: ص ۱۵، س ۶ و ۷؛ ص ۷۹، س ۱۰؛ ص ۱۱۶، س ۳ و ۶.
۴. در ص ۱۸، س ۱۲ آمده است: «یلمزلف، پسر ریاضیدان برجسته دانمارکی»، اما نام آن ریاضیدان یعنی «یوهانس» نیامده است. در سطر بعد آمده است که «وی فیلولوژی تطبیقی را تحت لوای هولگر پدرسن آموخت». تعبیر تحت لوای به معنی زیر پرچم است و استفاده از این تعبیر در امر آموزش چندان وجهی ندارد.
۵. در ص ۱۹، س اول از پیشنهادهای تملق آمیز دانشگاه‌های بزرگ خارج از دانمارک به آقای یلمزلف یاد شده است که تعبیر تملق آمیز در آن چندان شایسته نیست.
۶. گاهی غلط املایی یا ویرایشی در متن ترجمه راه یافته است. به عنوان مثال در ص ۲۰، س آخر واژه موشکانه آمده است که درست آن موشکافانه است. در ص ۶۹، س ۱۴ تعبیر «با این وجود» آمده است که بهتر است از تعابیر «با وجود این» یا «با این همه» استفاده شود.
۷. در متن ترجمه از واژه نویسه به دو صورت استفاده شده است: یکی در ترکیب نویسه‌گردانی (ص ۴۰، س ۱۲ و ص ۴۵ و ص ۷۸ در پانوشت) و منظور از آن نوشتن است و دیگری به عنوان معادل واژه **character** به منای ویژگی (ص ۶۷، س ۱۱). در حالی که لازم بود برای حفظ یکدستی ترجمه، از یک معادل برای آن استفاده می‌کرد.
۸. در ص ۱۸۴، س ۱۹ و ۲۰ واژه حداکثر با فاصله گذاری میان «حد» و «اکثر» آمده است که لازم است اصلاح شود.
۹. در ص ۱۶۰، س ۱۳ آمده است: «بین دو نوع گونه متمایز قائل شوند». چون نوع مترادف گونه است بهتر بود از یکی از این دو استفاده می‌شد.

۱۰. در ص ۴۰، س ۹ و ۱۰ جمله ناقصی با نشانه نقطه در پایان آمده است: «بار دیگر همان فیلولوژی».
۱۱. در چند مورد از تعبیر «سر آخر» استفاده شده است (ص ۱۱۴، س ۶؛ ص ۱۱۶، س ۱۴؛ ص ۲۲۵، س ۹). این تعبیر قدری افواهی است و بهتر بود به جای آن از تعبیر «در آخر» استفاده می‌شد.
۱۲. در ص ۶۳، س ۹ آمده است: «می‌توان موقعیتی را متصور شد که» و در ص ۱۱۶ س ۲ و ۳ آمده است: «می‌توان متصور شد که» این تعبیر حالت مجهولی دارد و بهتر است به این صورت بیان شود: می‌توان موقعیتی را در نظر گرفت (یا تصور کرد) که.....
۱۳. در صفحات ۶۴، ۶۵ و ۷۲ در پراگماتیک به صفحاتی ارجاع شده است ولی مشخص نیست این ارجاعات به چه کتابی است. لازم بود منبعی که به صفحات آن ارجاع شده است، بیان شود.
۱۴. در پانویس ص ۹۰ برای واژه انگلیسی **enter** از معادل «دخیل شدن» استفاده شده است که درست نیست. دخیل بستن به معنی انتظار دخالت دیگری است. از این رو لازم است از معادل «داخل شدن» استفاده شود.

منابع:

۱. یلمزلف، لویی (۱۳۹۷) *تمهیداتی بر نظریه زبان*، ترجمه: محمد امین شاکری، تهران: خوارزمی.
۲. سوسور، فردینان دو (۱۳۷۸) *دوره زبان شناسی عمومی*، ترجمه: کورش صفوی، تهران: نشر هرمس.
3. Badir, S. (2004) *Hjelmslev*, Paris: ies Belles letters.
4. Garvin, Paul L. (2014) "Prolegomena to a Theory of Language" (Book Review), *Language*, Vol. 30, No. 1, PP.69-96.
5. Hjelmslev, Louis (1953) *Prolegomena to a Theory of Language*, translated by Francis J. Whitfield, Baltimore: Indiana University.